خبر

### عضو فراکسیون اقلیت:

## لزوما نظام پارلمانی مشکلات کشور را حل نمی‌کند

■ **خبرآنلاین:** جمشید انصاری، دبیر کمیته سیاسی فراکسیون اقلیت مجلس معتقد است: لزوما پارلمانی بودن یک نظام سیاسی دلیل موفقیت آن نیست، بلکه ساز و کارهایی که اقتضای یک نظام پارلمانی را دارند، می‌تواند سبب موفقیت یا عدم موفقیت آن شود. انصاری درخصوص امکان تغییر ساختار سیاسی کشور، گفت: ساختار سیاسی فعلی کشور در شرایط کنونی مشکلاتی دارد که قابل کتمان نیست که نمونه بارز آن در موضوع تفکیک وظایف قوا به‌خوبی قابل مشاهده است. وی افزود: تداخل در رفتارهای قوا به‌گونه‌ای است که فراتر از قواعد موجود نوعی ورود به حوزه وظایف دیگر قوا را شاهدیم که با وظایف و اختیارات قانونی آنها سنخیت ندارد. مثلا در مجلس خیلی از نمایندگان توقعاتی درخصوص عزل و نصب‌ها و هماهنگی دولت با آنها دارند که در هیچ جای قانون نیامده است، ولی به‌عنوان یک رویه غلط جا افتاده است؛ و تداومش می‌تواند مشکلات بین دو قوه را بیشتر کند یا برخی از توقعاتی که رییس دولت دارد و فکر می‌کند چون مسوولیت اداره امور کشور را بر عهده دارد، این اختیارات قانونی است، در حالی که برعکس غیرقانونی است. البته به نظر می‌رسد شاید بدون این نوع اختیارات هم کار به سادگی جلو نرود.

عضو فراکسیون اقلیت، افزود: اینکه ساختار سیاسی کشور اشکالات جدی دارد و نیازمند بازسازی است، قابل کتمان نیست، ولی اینکه آیا راه‌حل این مساله رویکرد به نظام پارلمانی است، موضوعی است که نیازمند بحث است. وی با بیان اینکه نظام پارلمانی بدون توجه به احزاب قوی موفق نخواهد بود، گفت: اگر ساختار حزبی داشته باشیم می‌توانیم اطمینان داشته باشیم که نظام پارلمانی موفقی داریم. انصاری طرح این موضوع از سوی رهبر انقلاب را به دلیل «ضرورت هماهنگی دولت و مجلس» ارزیابی کرد و گفت: در ساختار سیاسی کنونی کشور براساس صراحت قانون اساسی رییس‌جمهور مسوولیت تمام نظام اجرایی کشور را بر عهده ندارد. قانون اساسی صراحت دارد که اداره امور قوه‌مجریه جز در مواردی که بر عهده رهبری است با رییس‌جمهور است. در وضع موجود که عنوان نظام سیاسی ما ریاستی است خیلی موارد ممکن است، به عنوان مثال فردی برای تصدی وزارتخانه‌ای مدنظر رییس‌جمهور باشد ولی این چهره به تایید مجلس نرسد.

### رییس‌جمهور:

## ایران فعالیت‌های اقتصادی خود را اداره می‌کند

■ **ایسنا:** رییس‌جمهور که در راستای دور چهارم سفرهای استانی به خراسان‌جنوبی سفر کرده بود، پنجشنبه شب بیرجند را به مقصد تهران ترک کرد.

احمدی‌نژاد اظهار کرد: اصلی‌ترین دلیلی که باعث شده امروز دنیای غرب در معرض انقراض قرار گیرد، آن است که مادران در جوامع غربی از فرهنگ ایثارگری فاصله گرفته‌اند. وی با بیان اینکه اگر مادران شهدا فرزندان‌شان را قربانی نمی‌کردند، امروز شکوفایی در کشور صورت نمی‌گرفت، خاطرنشان کرد: این مادران ایثارگر هستند که در حیات اجتماعی ملت ایران و در تاریخ و فرهنگ ایران‌زمین ماندگار شده‌اند. احمدی‌نژاد در ادامه با اشاره به فشار برخی کشورهای غربی علیه ایران اظهار کرد: آنها می‌گویند ایران را تحریم می‌کنیم تا عقب بماند، اما در عمل دیدیم که ملت ایران با همت و تلاش خود در همین شرایط توانسته است به پیشرفت‌های چشمگیری دست پیدا کند. وی خاطرنشان کرد: وقتی قطار پیشرفت یک ملت در ریل اصلی قرار گرفت و حرکت کرد، دیگر کسی نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد. خوشبختانه امروز حرکت پیشرفت در تمام کشور و به تبع آن در خراسان‌جنوبی پرشتاب است و باید با همدلی دست به دست هم داد و مشکلات موجود را نیز برطرف کرد. احمدی‌نژاد در ادامه سخنان خود به پیشرفت‌های اقتصادی کشور اشاره کرد و گفت: در شرایط موجود، مراکز اصلی اقتصاد جهان بارها اعلام کردند ایران توانسته است به درستی فعالیت‌های اقتصادی خود را اداره کند؛ در حالی که بسیاری از کارخانه‌های کشورهای اروپایی ورشکست و افراد بسیاری بیکار شده‌اند. وی همچنین با اشاره به بحران‌های موجود در جهان تصریح کرد: امروز در سرتاسر جهان شاهدیم که مردم نسبت به وضع موجود اقتصادی اعتراض دارند و در خیابان‌ها تظاهرات می‌کنند و پلیس با خشونت تمام با آنها برخورد می‌کند. احمدی‌نژاد با اشاره به سخنان رییس‌جمهور آمریکا مبنی بر وارد آمدن فشار به اقتصاد ایران گفت: دشمنان ملت ایران باید بدانند که این فشارها اثری بر اقتصاد ایران نخواهد گذاشت زیرا این ملت توانسته است روی پای خود بایستد و کشورش را بسازد. رییس‌جمهور کشورمان همچنین صبح پنجشنبه در جمع مردم شهرستان درمیان استان خراسان جنوبی خطاب به سلطه‌گران گفت: منطقه ما محل درگیری و جنگ نیست و همه با هم برادرند. رییس‌جمهور حضور گسترده مردم در استقبال از دولت را تجدید قوا برای مجموعه دولتمردان دانست و افزود: کاری که در این چند روز مردم انجام دادند، وارد تاریخ شد؛ حتی اگر عده‌ای بخواهند آن را سانسور کنند و نادیده بگیرند. احمدی‌نژاد با بیان اینکه دولت با همه وجود در مسیر خدمت به مردم حرکت خواهد کرد، یادآور شد: بهترین تفریح دولتمردان کار برای مردمی است که با هوشمندی در تمامی صحنه‌ها حاضر می‌شوند و دشمنان و بدخواهان خود را مایوس می‌کنند.

### گفت‌وگوی «شرق» با مهمانپرست

# دیپلماسی ایران به روایت سخنگو

ادامه از صفحه‌اول

اتفاقا یک خبرنگار یهودی از کشور روسیه در حضور رسانه‌هایی که بعضی از آنها پخش زنده داشتند از آقای خاتمی سوال کرد که جناب آقای خاتمی در زمان اصلاحات که شما رییس‌جمهور ایران بودید و بحث گفت‌وگوی تمدن‌ها مطرح بود و بحث صلح و آرامش و تنش‌زدایی، رفتار جهان با ایران رفتار متعادل‌تری بود و غرب با ایران رابطه خوبی داشت ولی از زمانی که رییس‌جمهور جدید ایران کار را در دست گرفته، مدام بحث جنگ و درگیری و تنش و انزواست، فکر نمی‌کنید آقای احمدی‌نژاد باعث این وضعیت در سیاست خارجی ایران شده؟ آقای خاتمی گفتند موقعی که من رییس‌جمهور ایران بودم و بحث صلح و گفت‌وگو را مطرح می‌کردیم و سازمان ملل پیشنهادمان را پذیرفت و سال ۲۰۰۱ را به‌عنوان سال گفت‌وگوی تمدن‌ها تصویب کرد و بحث تنش‌زدایی در سیاست خارجی ما حاکم بود، در همان دوران آقای جورج بوش ایران را محور شرارت اعلام کرد. آن موقع اصلا آقای احمدی‌نژاد مطرح نبود و کسی هم به خاطر سیاست آقای احمدی‌نژاد موضعی علیه ما نمی‌گرفت، پس شما دروغ می‌گویید این ربطی به آقای احمدی‌نژاد ندارد. من فکر می‌کنم این موضوع پاسخی باشد به سوال نخست شما. اما راجع به بحث دوم که چرا فشارها در این دوران بیشتر شده است، من فکر می‌کنم به هر میزان که قدرت نفوذ و تاثیرگذاری ما در منطقه و در سطح بین‌الملل افزایش پیدا می‌کند، ظرفیت تحمل آمریکا و کشورهای غربی متحدش کمتر می‌شود. به نظر من در دولت نهم و دهم به‌ویژه در بحث سیاست خارجی ما از قدرت مضاعفی برخوردار شدیم و تاثیر ایده‌ها و آرمان‌های نظام ما در بین افکار عمومی مردم منطقه نفوذ و رشد بیشتری پیدا کرد. این پایه‌های رژیم‌های وابسته به آمریکا را در منطقه سست می‌کرد. آمریکایی‌ها از وضعیتی که پیش آمده بود نگران و ناراحت بودند و احساس می‌کردند هم منافع خودشان و هم منافع رژیم صهیونیستی به خطر افتاده است به همین دلیل، فشارها را بیشتر کردند. احساس آنها از سیاست‌های دولت نهم و دهم افزایش قدرت معنوی ایران در منطقه بود.

**اشاره کردید که قدرت نفوذ ایران در دوران آقای احمدی‌نژاد افزایش پیدا کرده ولی اگر مبنای این قدرت نفوذ را ارتباطات و سطح روابط با کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای بگذاریم، فکر نمی‌کنید قدرت نفوذ ایران در دوران ریاست‌جمهوری آقای خاتمی خیلی بیشتر بود؟**

اگر دقت کرده باشید من اشاره کردم که نفوذ معنوی ما افزایش پیدا کرد. ما به دنبال افزایش نفوذ معنوی‌مان در بین مردم جهان هستیم. رابطه با دولت‌ها با رابطه با ملت‌ها فرق می‌کند. شما می‌توانید بعضی اوقات رابطه‌تان را با دولتی افزایش دهید، ظاهرا با آن دولت روابط بسیار گرم و صمیمی داشته باشید ولی در بین مردم نفوذی نداشته باشید. ملاک موفق بودن سیاست خارجی ما داشتن رابطه خوب با دولت‌ها نیست؛ رابطه با دولت‌ها هم مهم است ولی آنها چیزی که از آن مهم‌تر است، رابطه با ملت‌هاست. اینکه چرا در روابط ما با کشورهای مختلف تنش به وجود می‌آید، احتیاج به یک بحث کارشناسی دقیق دارد. نباید شعاری برخورد کنیم، نباید ساده تلقی کنیم یا طوری حرف بزنیم که افکار عمومی را گمراه کنیم. رابطه با اروپا و کشورهای غربی به این دلیل شاید دچار رکود شده که ما می‌خواهیم از حقوق ملت خودمان دفاع کنیم ولی آنها نمی‌خواهند حقوق مردم ما تامین شود. بحث کشورهای منطقه و روابط ما با آنها نیز کاملا مشخص است. ما بارها گفته‌ایم که بیشترین و بهترین رابطه را با کشورهای منطقه می‌خواهیم، ولی نظر و رأی مردم در این کشورها برای ما مهم است. اگر اکثریت مردم کشوری از دولت و حکومت‌شان حمایت کنند حتما ما بیشترین حمایت را از آن کشور می‌کنیم ولی اگر مردم خواهان دولتی در کشوری از کشورهای منطقه نباشند، حتما ما هم به رأی مردم احترام می‌گذاریم. پس ملاک موفق بودن سیاست خارجی داشتن روابط ظاهری با دولت‌ها نیست.

**در حالی شما ملاک موفق بودن سیاست خارجی را داشتن روابط خوب با ملت‌ها می‌دانید که در دوران آقای احمدی‌نژاد این فرضیه چند بار با نامه‌نگاری‌های یکطرفه و بی‌پاسخ به سران کشورهای جهان نقض شد. اگر دولت‌ها نقش محوری در سیاست خارجی دولت ندارند این نامه‌نگاری‌ها را چطور می‌توان توجیه کرد؟**

من نمی‌گویم دولت‌ها نقش محوری ندارند، من می‌گویم ملاک توفیق سیاست خارجی یک کشور، داشتن رابطه رسمی با دولت‌ها نیست. ممکن است دولت‌ها سیاست‌هایی داشته باشند که اصلا مورد قبول مردم نباشد؛ ما رابطه با دولتی را رابطه خوب تلقی می‌کنیم که بیشترین حمایت مردمی را در کشور خودش داشته باشد. در ضمن مخاطب نامه‌نگاری‌های آقای احمدی‌نژاد در دولت نهم و دهم بیش از هرکسی افکار عمومی جهان بود. ما اصلا دلیل موفقیت‌مان این است که مخاطبان‌مان افکار عمومی جهان هستند. مردم جهان باید بدانند اتهاماتی که به ایران می‌زنند، اتهامات درستی نیست. ما می‌خواهیم با روش‌های مختلف به مردم جهان بگوییم این سیاست‌هایی که علیه ما اعمال می‌شود سیاست‌های خصمانه است و ریشه در اهداف پنهان دارد وگرنه اگر قرار بود نامه‌نگاری مثلا از طرف آقای رییس‌جمهور با آقای اوباما صورت بگیرد و کسی متوجه نشود، این را پنهانی انجام می‌دادند، برای چه آن را منتشر کردیم؟

**صحبت سر تکرار این نامه‌هاست. بحث این است که تکرار این نامه‌ها با اصل رویکرد دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی همخوانی دارد؟**

بله، هیچ منافاتی ندارد. این نامه‌ها که هر بار افکار عمومی را خطاب قرار می‌دهد، اذهان جهانیان را نسبت به اینکه ما حرف‌های خودمان را می‌زنیم، روی اصول خودمان می‌ایستیم، از حقوق ملت‌مان عقب نمی‌نشینیم و این طرف مقابل است که رفتار خصمانه علیه ملت دارد و به دروغ ادعا می‌کند که طرفدار دموکراسی و حقوق بشر است، روشن‌تر کرده است. باید مردم خودمان و مردم جهان متوجه شوند که همه این رفتارها دوگانه، تبعیض‌آمیز و علیه ملت است.

**واقعا فکر می‌کنید این نامه‌ها در داخل هم همان اهدافی را که به آن اشاره کردید، دنبال می‌کنند و می‌توانند روی افکار عمومی در ایران نیز تاثیر بگذارند، درحالی که این اقدام منتقدان جدی از هر دو طیف اصلاح‌طلب و محافظه‌کار دارد. منتقدان معتقدند این‌دست نامه‌نگاری‌ها نه تنها تعقیب‌کننده منافع ما نبوده بلکه به نوعی مغایر اصل عزت، حکمت و مصلحت از اصول سه‌گانه سیاست خارجی است.**

اینکه جناب آقای احمدی‌نژاد با نامه‌نگاری‌های خود تلاش کردند مردم جهان را متوجه کنند که طرف مقابل ما سعی نمی‌کند رفتار منطقی با ما داشته باشد و پشت سیاست‌های آنها اهداف از قبل تعیین‌شده‌ای قرار دارد و هدف این نامه‌ها نیز روشن کردن افکار عمومی نسبت به سیاست‌های غرب بوده است، به نظر من مورد حمایت اکثریت مردم بود. در هر کشوری افراد نظرات مختلف و متفاوتی دارند؛ ما که نمی‌توانیم نظر همه مردم را راجع به یک موضوع یکسان کنیم. حتما سلیقه‌های مختلف وجود دارد، مهم این است که اکثریت مردم از سیاست خارجی کشور حمایت می‌کنند یا نمی‌کنند و این سیاست خارجی توسط چه مرجعی طراحی، تایید و اقدام می‌شود. من فکر می‌کنم سازوکار تعیین سیاست‌های کلان نظام مشخص است یعنی در مسایل جدی و مهم سیاست خارجی ما یک شخص به‌تنهایی تصمیم نمی‌گیرد و نمی‌تواند بگیرد. درباره این تصمیمات در مراجع بالاتر مثل شورای‌عالی امنیت ملی با حضور مسوولان رده‌های مختلف بحث می‌شود و اگر قرار باشد اقدام جدی در رابطه با کشوری مثل آمریکا صورت بگیرد، حتما نظر مقام معظم رهبری اخذ می‌شود.

**درخصوص این نامه‌نگاری‌ها این روند طی شد؟**

من به صورت کلی گفتم.

**شما در حالی نامه‌نگاری‌های آقای احمدی‌نژاد را تایید و موافقت خود را با آن اعلام کردید که او بارها تاکید کرده تنها دو کشور توان مدیریت در عرصه بین‌المللی و جهان را دارند، یکی ایران و دیگری آمریکا. آیا این نظریه مورد قبول شما و دستگاه سیاست خارجی است و آیا واقعا به آن اعتقاد دارید؟**

اینکه آمریکایی‌ها به دنبال اداره جهان به‌تنهایی باشند این یک ایده بر مبنای فرضیات غلط بود و تا الان نشان داده شده که یک کشور نمی‌تواند به‌تنهایی جهان را اداره کند. جناب آقای احمدی‌نژاد هم در سازمان ملل و در مصاحبه‌های مختلف بر این موضوع تاکید کرده‌اند. ایشان اشاره کردند که اگر قرار است جهان بهتری داشته باشیم باید سعی کنیم کشورها را در اداره جهان مشارکت دهیم. این ایده مورد نظر دستگاه سیاست خارجی هم هست. ما معتقدیم با مشارکت جهانی می‌توان جهانی بهتر داشت. اگر در منطقه مشکل و بحرانی به وجود می‌آید، مشارکت منطقه‌ای می‌تواند بهترین راه‌حل باشد تا دخالتی از خارج از منطقه. بنابراین فکر می‌کنم منظور کاملا روشن است. جمهوری اسلامی ایران هم حتما می‌تواند در مدیریت جهان نقش داشته باشد. ایده‌های جدید برای اداره جهان امروز مهم است. آن چیزی که ما متوجه شدیم، ایده‌های نو در سطح بین‌المللی و جهان کمتر ارایه می‌شود ولی در جمهوری اسلامی ایران راجع به موضوعات مختلف طرح داریم، برنامه داریم. نمی‌گویم این نظریات و برنامه‌ها صددرصد کامل است ولی طرح‌های جدیدی است. حداقلش این است که آن نظریات یک‌جانبه قبلی را که توسط غربی‌ها و آمریکایی‌ها دنبال شده و الان جهان را با بحران روبه‌رو کرده می‌تواند نقد کند.

**اگر جمهوری اسلامی ایران در مدیریت جهانی شرکت کند، آیا دستورالعمل یا فرمولی برای حل یا مدیریت بحران‌های جهانی مثل اشتغال و تورم و... دارد؟**

بحث ما با هم، سر دیدگاه‌های کلی کشورهاست. ما می‌گوییم در غرب اصولی برای وضعیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی ملت‌ها طراحی شده است. آنها فکر می‌کنند اگر همه به این دستورالعمل‌ها گوش کنند و آن را اجرا کنند وضعیت کشورها خیلی رشد و توسعه پیدا می‌کند. ما معتقدیم این اشتباه است. یعنی سیاست‌های پولی و مالی که اینها دنبال کرده‌اند نتیجه خوبی به بار نیاورده و کشورهای مختلفی را با بحران روبه‌رو کرده است؛ به‌عنوان مثال سیاست‌های غلطی که آمریکایی‌ها به خاطر اینکه همه چیز را وابسته به دلار کردند و هر جا با مشکل اقتصادی روبه‌رو شدند با چاپ دلار بدون پشتوانه سعی کردند بر ارزش اوراق بهادار، ارزش سهام و بازار سایر کشورها تاثیر بگذارند تا بحران را از درون کشور خود به کشور دیگر منتقل کنند. در بحث‌های فرهنگی و معنوی هم همین‌طور است. شما وقتی به فرد اصالت می‌دهید، وقتی آزادی را طوری تعریف می‌کنید که حتی اهانت به ارزش‌ها، ادیان و مقدسات با آن توجیه می‌شود، کار به جایی می‌رسد که دیگر از مقدسات و ارزش‌های فرهنگی آن کشور چیزی باقی نمی‌ماند. این منجر می‌شود به درگیری‌ها، تنش‌ها و برخورد تمدن‌ها. پس الگوهایی که غرب برای اداره جهان امروز ارایه کرده موفق نبوده است. در مقابل ما ایده‌های جدیدی داریم. ما می‌گوییم این روش غلط است؛ شما باید به حقوق ملت‌ها و ارزش‌های اعتقادی و فرهنگ متفاوت آنها احترام بگذارید، باید سعی کنید آنها را در اداره منطقه خود و جهان شریک کنید. غرب وقتی از حقوق بشر، از دموکراسی، از مبارزه با تروریسم، از بحث‌های مختلف که واژه‌های قشنگی هستند به‌عنوان ابزار سیاسی استفاده می‌کند که به یک کشور فشار بیاورد، در واقع ارزش این واژه‌ها را نزد ملت‌ها از بین می‌برد و این غلط است. ما باید یک مبنای صحیح داشته باشیم که همه مردم و همه کسانی که می‌خواهند در جهانی بهتر نقش بازی کنند، امکان حضور و مشارکت پیدا کنند. من معتقدم ایده‌های غرب تاکنون موفق نبوده و نتایج منفی داشته است. هر کشوری که بتواند ایده‌های جدید برای کمک ارایه کند باید از آن استقبال کرد. در حال حاضر من کمتر کشوری را می‌بینم (غیر از کشور خودمان) که در سطوح کلی ایده‌های جدیدی را بتواند مطرح کند.

**این روندی که شما گفتید در درجه اول مستلزم مذاکره و گفت‌وگوست؛ منتها پایه این است که تعاریف مشترکی از همین اصولی که اشاره کردید وجود داشته باشد که بر مبنای آن مذاکره پیش رود. در حال حاضر مشکلی که ما با غرب و بالعکس داریم این است که دو طرف در مورد هیچ مفهوم مشترکی توافق ندارند. برای حل این مشکل چه کار می‌توان کرد؟ به هر حال یا باید آنها دیدشان را تغییر دهند یا ما و دو طرف به حد وسطی برسند.**

این نکته درست است که در مواضع سیاسی کشورها انعطاف کمتری می‌بینید حتی ممکن است به قول شما در خیلی از بدیهیات اختلاف نظر وجود داشته باشد به همین دلیل ما معتقدیم که وقتی نظرات‌مان را با همدیگر مطرح می‌کنیم ممکن است مستقیما نتوانیم نظر همدیگر را عوض کنیم ولی افکار عمومی محل قضاوت می‌شود. آنها هستند که باید به نتیجه برسند که کدام تعریف صحیح‌تر است یا اگر دوگانگی و تناقضی در تعریف یک کشور وجود دارد نمونه‌هایش کدام است. ما فکر می‌کنیم جهان غرب دارد از این واژه‌ها استفاده ابزاری می‌کند. حالا اگر واقعا احساس کنیم که این زمینه در بین مقامات سیاسی کشورهای دیگر وجود دارد که بخواهند به یک تفاهمی برسند، یعنی به نقطه‌ای برسند که معتقد باشند ملت‌ها هم حقوقی دارند که باید به آنها احترام گذاشت از موضع برابر می‌شود نشست صحبت کرد. ولی تا موقعی که احساس شود یک کشور یا جریان در جهان امروز فکر می‌کند همه باید آن‌طور که او تصور می‌کند عمل کنند و حاضر نیست حرف کسی را بشنود، مذاکره خیلی مفید نیست.

**به هر حال عرصه دیپلماسی بده بستان است، بر این اساس فکر می‌کنید پافشاری بر سیاست‌ها با عنوان و رویکرد تهاجمی منجر به کاهش دستاوردها و همچنین دستیابی به درک مشترک در عرصه بین‌المللی خواهد شد؟**

این تعریف را از دیپلماسی قبول نداریم که یک چیزی بدهیم تا یک چیزی بگیریم. ما کشوری هستیم که براساس اصول ارزشی و اعتقادات‌مان این نظام را برپا کردیم. ما معتقدیم که باید سیاست خارجی در جهتی باشد که بتواند برای همه مردم جهان صلح و امنیت و رفاه را به ارمغان بیاورد. اگر یک جایی نابرابری و ظلمی هست باید آن را گفت و جلویش ایستاد. ما قانون اساسی داریم، در قانون اساسی‌مان همه چیز کاملا روشن شده است. من در قانون اساسی ندیدم که برای سیاست خارجی خوب است یک چیزی بدهیم و یک چیزی در مقابلش بگیریم چون مثلا ممکن است این‌طوری بعضی کشورها خوش‌شان بیاید و از ما راضی باشند و به ما لبخند بزنند. ما در سیاست خارجی‌مان چیزی را که فکر می‌کنیم درست است و می‌تواند منافع کشورمان را تامین کند باید دنبال کنیم، بدون پایمال شدن اصول ارزشی خودمان.

**با این حال معتقدم در برخی مواقع این سیاست بده بستان مدنظر جمهوری اسلامی هم بوده است. نمونه بارز آن را هم در قضیه سه شهروند آمریکایی شاهد بودیم. ما با آزادی آن سه تن که به اتهام جاسوسی به هشت سال زندان محکوم شده بودند عملا یک چیزی دادیم اما در مقابل چیزی نگرفتیم یا اینکه نتوانستیم بگیریم.**

عکس: آیدین رهبر، شرق

من تعریف شما را قبول ندارم. چون شما آزادی سه آمریکایی را به‌عنوان یک کار کاسب‌کارانه تلقی می‌کنید. می‌گویید پس ما یک چیزی را در این کاسبی دادیم در مقابلش باید یک چیزی بگیریم؛ ما اصلا به این مساله با دید کاسبی نگاه نمی‌کنیم. اصلا مبنای دید ما فرق می‌کند. ما می‌گوییم که ظلم‌های زیادی در حق ملت ما شده و اتهامات زیادی به مردم ما وارد کرده‌اند. باید به روش‌های مختلف مردم جهان را آگاه کرد. ملت ما ملت جنگ‌طلبی نیست، ملتی نیست که بخواهد حقوق کسی را زیر پا بگذارد. ملت ما شایسته‌تر از آن است که این اتهامات به آن وارد شود. خصوصیات ذاتی ملت ما خیلی بالاتر از این حرف‌هاست و به روش‌های مختلف در صحنه‌های سیاسی این را نشان داده‌ایم. نمی‌دانم شما نظرتان چیست درباره اینکه این افرادی که در ایران بازداشت بودند بالاخره تخلفی مرتکب شده بودند یا نه. اگر شما هم با ما هم‌عقیده باشید که آنها تخلفی داشته‌اند باید بگویم که قصد و نیت برای آزادی آنها ارسال پیامی به جهانیان بود. اینکه ببینید، اگر مردم ما جرمی به مراتب کمتر را در یک کشور غربی مرتکب می‌شدند می‌توانستند چقدر مورد رفتار غیرانسانی قرار بگیرند.

**راجع به آزادی‌ها فقط یک ابهام وجود دارد و آن هم اینکه طی سال‌های اخیر معمولا تعدادی شهروند خارجی و عموما آمریکایی بازداشت شده‌اند که درست قبل از سفر آقای احمدی‌نژاد به آمریکا مورد عفو قرار گرفته‌اند. بر این اساس از این آزادی‌ها نه یک پیام ملی به تعبیر شما بلکه یک حرکت فردی دریافت می‌شود. چون در این مورد آخر هم اگر یادتان باشد آقای احمدی‌نژاد خبر آزادی دو آمریکایی را اعلام کرد بعد قوه‌قضاییه واکنش نشان داد و به اعلام این خبر از سوی او اعتراض شد.**

اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل یکی از آن رویدادهای بسیار مهمی است که خودبه‌خود افکار عمومی را به خودش جلب می‌کند. آنجا مرکزی است برای آنکه کشورها بتوانند نقطه‌نظرات خود را به جهانیان اعلام کنند بدون آنکه با محدودیتی مواجه شوند. در سال‌های گذشته آقای رییس‌جمهور در مجمع عمومی سازمان ملل حرف‌هایی را مطرح می‌کردند که بالاخره آن حرف‌ها برای مقامات آمریکایی و متحدان‌شان خیلی خوشایند نبود. با این حال نمی‌توانستند کنترلی بر آن سخنان داشته باشند و به نوعی مانع از بیان آن شوند. بالاخره آنها مدعی آزادی بیان و دموکراسی هستند و مجبورند یک مقدار هم به قواعد خودشان عمل کنند. بنابراین به روش‌های دیگر متوسل شدند. آنها برنامه‌ریزی بسیار منسجمی را شروع می‌کنند. برای اینکه زمانی که اجلاس مجمع می‌خواهد برگزار شود فضا و افکار عمومی به‌شدت علیه کشور ما باشد و اصلا اجازه ندهند که ما حرف‌مان را بزنیم، حوادثی را تنظیم می‌کنند یا رسانه‌ها را به یک شکلی هدایت می‌کنند. بالاخره ممکن است جناب آقای رییس‌جمهور یا دفتر ایشان روش‌های مختلفی را دنبال کنند، برای اینکه این فضا را تغییر دهند. اینکه فضا را تغییر دهند به معنای این نیست که مثلا ما اینجا داریم دادوستد می‌کنیم. نه، اتفاقا باید در موقع حساس خودش معلوم شود که ما به دنبال خصومت و کینه‌های شخصی نیستیم. ملت ما یک ملت جنگ‌طلب نیست. با وجود این باز هم آنها می‌آیند علیه ما اقدام می‌کنند. اتفاقا این اقدام در افکار عمومی تاثیر بیشتری می‌گذارد. مردم جهان متوجه می‌شوند که شما دارید یک رفتار انسانی انجام می‌دهید اما طرف مقابل نه‌تنها پاسخ رفتار انسانی را نمی‌دهد بلکه به خصومتش هم ادامه می‌دهد.

ادامه در صفحه۱۰

الو شرق ۸۸۶۵۴۳۹۰

■ **کیفیت نان:** از اینکه درباره کیفیت نامطلوب نان در ستون پیام‌های مردمی مطلب چاپ می‌کنید، سپاسگزاریم، امیدواریم گوش شنوایی برای شنیدن واقعیت‌ها و رسیدگی به این موضوع وجود داشته باشد.

یک مخاطب

■ **زوج‌های جوان را دریابید:** زوج‌های جوان که خانه‌ای مستقل ندارند، برای پرداخت اجاره‌خانه با مشکلات فراوانی مواجهند. از مسوولان مربوطه تقاضا داریم با واگذاری خانه‌های ارزان‌قیمت، آنها را دریابند.

امین و افروز

■ **وسایل شخصی و ترافیک:** طرح زوج و فرد هم باعث کاهش ترافیک خیابان‌ها نشد. برخی از رانندگان خودروهای تک‌سرنشین در خیابان‌ها جولان می‌دهند که این مساله باعث سنگین‌تر شدن ترافیک خیابان‌های تهران شده است. عده‌ای به دلیل شغل‌های خاص از جمله پزشکان برای به موقع رسیدن و مداوای بیماران و خبرنگاران هم برای اطلاع‌رسانی به مردم، اغلب ناچارند از خودرو شخصی استفاده کنند که حساب‌شان از بقیه جداست. اما عده دیگری با وسایل نقلیه عمومی مانند مترو و اتوبوس‌های شرکت واحد زودتر می‌توانند به مقصد برسند و از این‌رو چه دلیلی دارد خودرو شخصی بیرون آورند؟

علی‌اکبر فرقانی

■ **دهکده‌المپیک را دریابید!** ساکنان دهکده المپیک از مسوولان تقاضا دارند در این محله شهربازی، پارک، درمانگاه خیریه، سینما و کتابخانه تأسیس کنند تا اهالی مجبور نباشند برای دسترسی به این مکان‌ها مسافت طولانی بپیمایند.

منصور خدادادی از تهران

■ **گدایان را ساماندهی کنید:** گدایان را جمع‌آوری و به گرمخانه‌ها انتقال دهید و آنها را ساماندهی کنید. عده‌ای واقعا مفلس و درمانده‌اند و جایی برای زندگی ندارند و مجبورند با گدایی امور خود را بگذرانند. معدود گدایانی هم که در لباس گدایی ظاهر می‌شوند، وضع مالی خوبی دارند که بحث آنها از بقیه جداست.

رضا قلمچی

■ **باران‌های موسمی و نبود جوی آب، مشکل ساکنان لاله ششم گرگان:** از ساکنان خیابان شهدا، لاله ششم و خیابان حاج‌منصور کاشفی شهرگرگان هستم. این خیابان جوی آب ندارد و با توجه به باران‌های موسمی این شهر، به دلیل آبگرفتگی معبر، در رفت و آمد اهالی اخلال ایجاد می‌شود. از اعضای شورای شهر و شهردار گرگان تقاضا داریم با ساخت کانال یا جوی آب، مشکل آبگرفتگی این محله را رفع کنند.

یک مخاطب از گرگان